

بمناسبت در گذشت اسکار نیمایر

بگزارش خبرگزاریها، اسکار نیمایر، کمونیست برزیلی، دوست فرمانده کاسترو، معمار نابغه بین المللی، روز چهارشنبه (۱۵ اگوست، ۵ دسامبر) درست در آستانه صد و پنجمین سال تولد خود در بیمارستانی در ریودوژانیرو دیروز در گذشت.

اسکار نیمایر در طول عمر طولانی خود بیش از ۶۰۰ ساختمان، از جمله ساختمانهای دولتی پایتخت جدید برزیل، موزه ها، ابنیه تاریخی، کلیساها و مدارس را طراحی کرد و طراحی ساختمان ماندگار سازمان ملل متحد، یکی از کارهای مشترک او با لوکوربوزیه، معمار سوئیسی می باشد. اما همه اینها، تنها ارثیه او بشمار نمی روند. ایمان راسخ، پای بندی بر عقیده کمونیستی و ثبات قدم، والاترین و ارزشمندترین ارثیه باقیمانده از اوست که او را در قلب بشریت جاودانه می سازد.

بمنظور بزرگداشت اسکار نیمایر، مصاحبه اختصاصی او با خبرنگار مجله «اندیشه» در صدمین سال تولدش را که همان وقت بزبان فارسی برگردانده ام، بار دیگر تقدیم می دارم.

یاد سرخ و نامش پر آوازه اش جاودان باد!

ا.م. شیری

۷ دسامبر ۲۰۱۲

رهنمودهای اسکار نیمایر کمونیست صد ساله

ترجمه از: ا.م. شیری

اسکار نیمایر: «کمونیسم، قهرمانی‌های خلق‌های شوروی را به من یادآوری می کند».

ساختن پایتخت کشور خویش را به وی سپردند و او، قلب برزیل مدرن را ساخت. اسکار نیمایر دیگر علاقه ای به مصاحبه ندارد. اما، این کمونیست برزیلی، آرشیتکت خوش قریحه و چهره شناخته شده زمان خویش، بمناسبت یک صدمین سال تولدش استثنائاً، با ما مصاحبه ای کرد. او، در باره زندگی، دین، کمونیسم و معماری مدرن با ژوزه ورسیمو **تئخیرا دا ماتا**، خبرنگار ویژه مجله «اندیشه» در برزیل، صحبت کرد.

- شما، کمونیست، کلیسای جامع ترنو ونتسا، یکی از زیباترین و بهترین بناهای برزیل ساختید. کلیسای جامع دو جهان، یکی از آخرین طرحهای با اهمیت شما محسوب می شود. اعتقادات مارکسیستی شما، چگونه با دین سازگاری می کند؟

- اعتقادات مارکسیستی من امروز محکم تر و عمیقتر هر زمانی است. کمونیسم را با قهرمانیهای خلقهای روسیه درک می کنم و از آن الهام می گیرم. البته که، من این باورهای سیاسی-ایدئولوژیک خود را در تضاد با هنر معماری ام در ساختن معابد نمی بینم. من به خدا ایمان ندارم، ولی، به مؤمنان احترام می گذارم.

من از یک خانواده کاتولیک متعصب برخاسته ام (در منزل ما، عکس پاپ رم از دیوار آویخته است). اما، من در سنین جوانی، به علل بی عدالتیها و نابرابریهای اجتماعی پی بردم و به صفوف سازمان «نجات سرخ» پیوستم و پس از آن به عضویت حزب کمونیست برزیل درآمدم و این، گام درستی بود.

- زمانی، شما گفتید: «من نابغه نیستم. من در خلاقیتهای خود، از نبوغ این رادچنکوی پیشرو، الهام گرفتم». حاضرید هم اینک، آن را تأیید کنید؟

- من الآن فکر می کنم در این ارزیابی، کمی اغراق شده است. من دقیق نمی دانم درعالم معماری، چه کسی نابغه است.

- شاید برزیل، مشهورترین طرح معماری شماست. در مسیر گذشت زمان از آن لحظه، وقتی که، آرزوهای شما جامه عمل می پوشند، می توانید بگوئید که، حاضرید شهری دیگری مثل آن چه که ساخته اید، بسازید؟ یا ممکن است شهر کاملاً دیگری بسازید؟ آیا بنظر شما، برزیل شهر ایده آلی است؟

- برزیل تصویر اشتیاقهای پرشوری است که، در سالهای ۵۰، کشور را فراگرفته بود. این شیفتگی ها، با شخصیت رئیس جمهور، ژوسلین کوبیچک وابستگی ناگسستنی داشت. بنیانگذاری پایتخت جدید، اقدام شجاعانه ای بود که، اراضی وسیع داخل برزیل را به هم پیوند می دهد. بعد از گذشت ۴۰ سال، برزیل به محل تصادم متروپل سرمایه داری تبدیل شده است و با همان مشکلاتی مواجه شده است که، دیگر شهرهای کشور در نتیجه اشتباهات مربوط به گزینش راه رشد اقتصادی برزیل، با آن دست به گریبان است. بدین جهت، برزیل شهر ایده آل من نیست.

- شما انتقال پایتخت به مرکز جغرافیائی کشورتان را چه حد درست می دانید؟ مثلاً، روسیه، آیا ارزش آن را دارد که، پایتخت خود را به مرکز جغرافیائی خود منتقل نماید؟

- اقدام به بنای شهر برزیل گام شجاعانه ای بود که، رئیس جمهور کوبیچک، برداشت. من، برای دادن جواب سؤال شما، در رابطه با روسیه، اطلاعات کافی ندارم. متأسفانه، من مدت کوتاهی، بعد از پایان جنگ دوم جهانی، در مسکو بودم.

شما معماری امروزی را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا در سمت درستی به پیش می رود؟ کار معماران جوان را در چه سمتی علاقمندید، ببینید؟

- من از همتایان خود انتقاد نمی کنم. من فکر می کنم، معماری امروزی در چند جهت حرکت می کند، به همین سبب انتقاد از آن هم مشکل است. در رابطه با معماران جوان، من هم چنان از دو خط اصلی دفاع می کنم:

اول: آن هنر معماری را که، برای تحقق خلاقیت خود در جستجوی شیوه های نوین معماری است.

دوم: امکانات نامحدود کار با بتون آرمه وجود دارد. چرا نباید در جهت یافتن راههای دیگری برای ساختن مروارید تازه بود؟

- آیا در حال حاضر، طرحی در دست تهیه دارید؟

- من طرحهای تازه زیادی در برزیل و خارج از آن در دست دارم. فقط به دو مورد از آنها که، علاقه زیادی دارم، اشاره می کنم. مرکز فرهنگی طراحی شده آویل در اسپانیا و مرکز اداری دولتی ایالت میناس ژئرایس که در مرکز آن ایالت، در شهر آریزونتی آبی (Blou) احداث خواهد شد. من تمام ذوق و قریحه خود را در این طرحها و همه طرحهای دیگر بکار گرفته ام. همه آنها را با عشق و علاقمندی تدوین کرده ام.

- اگر در سطح وسیعتری به مسئله نگاه کنیم، شما می خواهید نظرتان را در مورد سمت و سوی حرکت تمدن امروزی در جهان بیان دارید؟

- به نظر من، سازندگی باید منعکس کننده عقیده و عمل در جهت مخالفت با روابط غیر هومانستی بر علیه انسان و در سمت مخالفت با بی عدالتیهای اجتماعی باشد. در یک کلام، باید پشتیبان و مسئول باشد، با مطالعه کلاسیکهای روس، داستایوسکی و تولستوی، آنچه را که به وضوح می بینیم، انعکاس دهد.

از سوی دیگر، من فکر می کنم که، فعالیت در عرصه فرهنگی، باید رابطه تنگاتنگی با تلاش در جهت بلوغ انسان و ساختن دنیای عادلانه و همبسته در شرایط بهبود کیفی آگاهی ها داشته باشد. این مسئله ای است که، من نگران آن هستم. فارغ التحصیلان مؤسسات آموزش عالی کشور من، بدون اینکه درک درستی از مشکلات زندگی داشته باشند، آنجا را ترک می کنند. ما به متخصصانی که، اطلاعات آنها فقط به رشته تخصصی خود مربوط می شود، نیاز

نداریم. ضرورتاً، جوانان باید به مبارزه برای جهانی بهتر و عادلانه تر تربیت شوند. در این باره، من در کتاب خود، تحت عنوان « انسان و زندگی » که، بزودی چاپ خواهد شد، مفصل توضیح داده ام.